

# چگونه میتوان از لغو و لعب اجتناب کرد

کارخانجات و یا سروکار با ماشین آلات داریم معمولا "بیشتر از ۸ ساعت نمیتوان کار کرد. لذا ساعات فراغت زیاد است. در اشتغالات کشاورزی و دامداری و بعضی صنایع دستی بخصوص در روستاها، ساعات اشتغال به کار تولیدی بیشتر است و بنابراین بخشی از ساعات فراغت هم صرف کار میشود. و چون بر اثر فعالیتهای بدنی خستگی جسمانی عارض میشود، افراد کشاورز یا کارگرانی که در مشاغل آزاداند، بیشتر طول شب بلکه گاهی نزدیک به تمام مدت شب را می خوابند. و بنابراین کمتر وقتشان صرف سرگرمیهای غیرمجاز و بیهوده میشود. در سنین جوانی و پس از بلوغ که قدرت جسمانی جوانان افزایش می پذیرد و نیازهای نوینی در آنان بروز می کند. مایلند از وابستگی به خانواده رها

معمولا "مقدار ساعاتی را که برای کار پیشنهاد می کنند بطور متوسط ۸ ساعت است. حدود ۸ ساعت را هم حداکثر برای خواب کافی میدانند. ۸ ساعت دیگر از شبانه روز فرصتی است آزاد که برای نظافت تهیه خوراک و مصرف آن، عبادت، ورزش گردش و سرگرمی ها صرف میشود. استفاده از اوقات فراغت یکی از مسائل تعلیم و تربیت است و در تعلیم و تربیت اسلامی که بهرگونه ورزش، اشتغال، تفریح و یا سرگرمی نمیتوان وقت گذاری کرد، از اهم مسائل است. و بایستی برای آن برنامه های ویژه تدارک دید. زیرا معمولا "درفواصل همین ساعات فراغت است که خانواده ها و مخصوصا "جوانان از هواهای نفسانی تبعیت می کنند و نفس خویش را می آلاینند. در این عصر که اشتغالات زیادی در

شوند. علاقه دارند شهرتی کسب کنند، و بنحوی خود را از طریق هنرنمایی‌ها بنمایانند. و خود را لایق و کارآمد و در مقابل همسالان و جنس مخالف زیبا نشان دهند. بنابراین بر اثر این احوال عاطفی و بخاطر حساب‌کری‌های خاصی که می‌کنند مدت زیادی از وقتشان به خیالیافی صرف میشود. و چنانچه شاگرد مدرسه باشند از درس خواندن فرو می‌مانند. و بخش عظیمی از وقت بیکاری خود را به سرگرمی‌های ممنوع و به لغو و لعب مصروف میدارند. از جمله شوخی‌هایی می‌کنند. بذله‌می‌گویند و می‌شوند. هنگام ملاقات با هم صحبت‌های مفصل طولانی و بی‌ثمری می‌کنند، بیشتر از حد لازم به مرتب کردن لباس و تغییر و تعویض آنها می‌پردازند، ادوات زینتی یا جالب توجه بکار می‌برند، به سیکار کشیدن بعنوان یک نمونه شرافت و مردانگی مبادرت می‌کنند، سروصورت را مکرر می‌آرایند. بیهوده و بمقدار زیاد در معابر قدم می‌زنند اگر موتور، ماشین و احتمالا "اسبی در اختیارشان باشد موقع رانندگی برای جلب توجه، سریع حرکت می‌کنند، مایلند لوازمی را که بکار می‌برند، کمیاب و منحصر به فرد باشد. سوت می‌کشند، تسبیح در دست می‌گردانند و.....

اعمالی نظایر اینها در ردیف لغو و لهو و لعب هستند و با تربیت اسلامی سازگار نمی‌باشند.

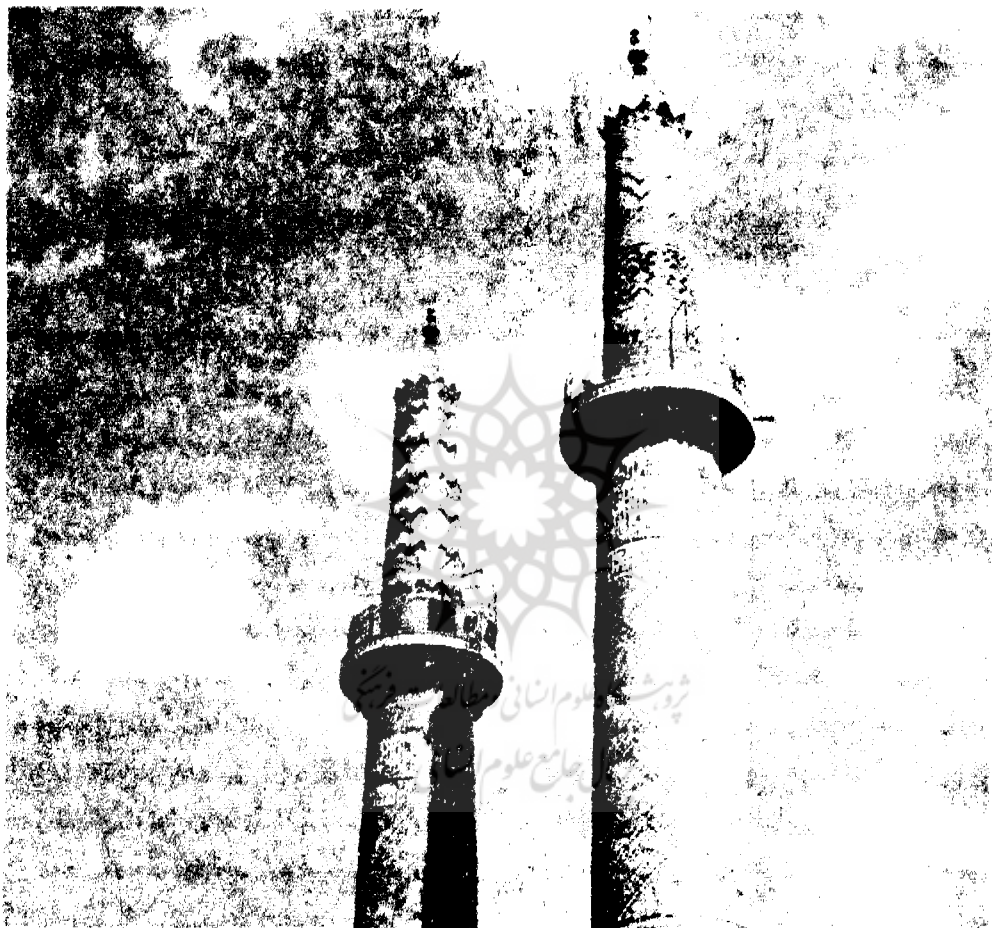
بعضی ورزشها نظیرورق بازی و بیلبارد که از غرب تقلید شده، و قاب بازی و غیره که میان برخی افراد ما رایج است چنانچه از طریق آنها شرط بندی و بردوباخت بشود از حد لهو و لعب می‌گذرند و حرام اند.

مطابق آنچه تجربه داریم و مشاهدات ما نشان میدهد، کمتر افرادی پیدا میشوند که تمام ساعات بیداری و روزانه خود را به کارهای جدی بگذرانند. گوئی در انسان حالتی است و یا نیازی است، که او را به انجام کارهای سرگرم‌کننده، غیرجدی خنده‌آور، مهمل و خلاصه بیهوده ترغیب می‌کنند. و حتی در ساعاتی که مشغول کارهای جدی و تولیدی خویش است لحظاتی را به لغو و بازی و شوخی صرف می‌کند. و شوخی‌ها و سرگرمی‌هایی است که هدف معلومی ندارند و منفعتی را بدنبال نمی‌آورند. بلکه مانع کار جدی و فعالیت تولیدی و اقتصادی و عبادتی نیز میشوند. اینگونه تمایل، تقریباً "درمیان همه مردم و درطول تمام عمر هرفرد، از کودکی تا کلانسالی هست. بنابراین یک مساله تعلیم و تربیتی است. و برای حل آن بایستی اندیشید.

در تربیت اسلام کوشش براینستکه مومن هرچه بیشتر ممکن است بیاد خدا باشد. علاوه براینکه در صبح و ظهر و شب فرائض واجب را انجام میدهد و علاوه بر اینکه ماه مبارک رمضان را به فریضه روزه

بودن، از هیجانات و نگرانی‌ها می‌کاهد، و انسان را امیدوار می‌کند.  
پس یکی از روشها و راههای خودداری از لغو و پیشگیری از اشتغال به سرگرمیهای

صرف می‌کند، در تمام ماهها و هفته‌ها و در تمام ساعات شبانه‌روز، آگاهانه در ارتباط با خداوند باشد. وبه ذکر او خودرا مشغول نگه‌دارد. کار را برای او و بنام او آغاز



مهمل و بی‌اثر، اینستکه یادخدارا در دل خود و در دل شاگردان زنده نگه‌داریم. و اینکار از طریق تذکراهای مکرر و مستمر و بی‌انقطاع میسر می‌گردد. و در خانواده و در مدرسه و اداره و کارخانه و پادگان

کند، و بیاد او جریان دهد و برای کسب رضای او بی‌پایان برد. که فرمود (۱): یاد خدا به مومنان سود رساند. و فرمود (۲): هان، بیاد خدا باشید تا بحالت متعادل (طمأنینه) برسید. و میدانیم که بیاد خدا

می‌توان شرائطی فراهم نمود، که یادخدارا در دلها زنده نگه‌دارد. تا گوشها و چشمها لذات خود را از طریق یاد خدا، که عین عبودیت است، تأمین کنند. و غفلت دست ندهد، تا مسلمین و مومنین به لگو و لغو، و لعب، سرگرم شوند. و با لغو و لگو که در ردیف مکروهات اند، انس گیرند و اصرار ورزند، و به شرطبندی و بردو باخت مبادرت کنند، که در اینصورت به محرّمات دست زده‌اند و مستوجب عقوبت خواهند شد.

هرگاه ما گناهان کوچک را نظیر لعب ناجیز انگاریم، تدریجا "گستاخ میشویم، و بیشتر کسانی که به گناهان بزرگ دست زده‌اند، و کارشان به نفاق و کفر انجامیده است همان کسانی هستند که از کوچکی به لگو و لعب سرگرم شده‌اند، و پدر و مادر و معلمان و مسئولان انتظامی به آنها هشدار نداده‌اند.

لغو و لگو را که خدا ممنوع فرموده و گناهان کوچک‌اند نباید کوچک پنداشت از آن نظر که نوعی سر تافین از فرمان خداوند است. و ما هرگاه بخود اجازه دهیم که در حضرت باری تعالی جلت عظمت نافرمانی کوچکی بکنیم، به اعتبار اینکه در پیشگاه بزرگی حد و حرم را شکسته‌ایم، کار بزرگی کرده‌ایم. و البته اگر ما حد و حریمهای کوچک را بشکنیم، بیم آنست که برای شکستن قاعده و میزان مهم تری، گستاخ بشویم. و

ارتکاب به عصیان بزرگتر برایمان آسانتر شود. از اینرو در خانه و مدرسه و اداره لغو و لگو را که عصیانهای کوچک‌اند بایستی مراقبت کرد، و کنترل نمود، تا اشاعه پیدا نکنند و امری عادی تلقی نگردند.

البته در آنسوی قضیه هم، بخاطر ارتکاب به گناه نبایستی مایوس شویم. که قدرت خالق برای بخشیدن معاصی و عصیانگران در صورتیکه توبه کنند نیز عظیم است. اما کسی که از کودکی به دقت هدایت شده و از ارتکاب به لغو و لگو و مصون مانده است، با کسی که بایی خبری و بی‌اعتنائی هرچه خواسته‌گفته، هر خوردنی را با هر شرائطی خورده، با هر طاعی و عاصی دست‌دوستی و تعاون داده، و چشم و گوش خود را بی‌محایا بکار گرفته، آنگاه توبه کرده است، فرق دارد.

به این جهت که عادات کودکی پایه رفتارهای بزرگسالی‌اند تعالیم اخلاقی و اسلامی دبستانها از ارزش ویژه‌ای برخوردارند. و هرکسی را نرسد که در دبستان، معلم اخلاق و دین و تربیت باشد. اختصاصاً " معاونان مدرسه و خود مدیر و مسئولان پرورشی و مشاوران و مسئول بهداشت و پیشخدمتهای دبستان لازم است از میان افراد باتقوی و متعهد و عامل به احکام اسلام انتخاب شوند. تا بتوانند جریان نارسائیهای خانواده را نیز بنمایند.

## لغو

لغو کار مباهی است که صاحبش در آخرت از آن سودی نبرد یا در دنیا آنطور سودی نداشته باشد که سرانجام آن منتهی به سود آخرت گردد. یا هرکاری است که فایده عقلانی بآن تعلق نگیرد.

یکی از اوصاف مومنان اینستکه به کار لغو نمی‌پردازند. و خداوند اوصاف مومنان را چنین برمی‌شمارد که: مومنان رستگارند و آنان کسانی هستند که در نمازشان خاضع و خاشع‌اند، و (۳) کسانی‌اند که از لغو روی می‌گردانند.

براین اساس دومین صفت مومن اینستکه از لغو می‌پرهیزد، و نه تنها مرتکب نمی‌شود که از شرکت در اجتماع یا در گفتگویی که بی‌ثمر است خود را بازپس می‌کشد. انسان طبعاً اجتماعی است، و هرجا اجتماعی متشکل است، دوست میدارد به میان آنان ورود کند. و به محض اینکه عده‌ای گردهم‌آیند، بعضی از آنها با سخنان لغو سر دیگران را گرم نگه میدارند و در این مورد، خداوند آنجا که از عبادالرحمن (بندگان خدا) سخن میبرد چنین می‌فرماید (۴) . . . . چون به کار بیهوده‌ای برسند بزرگوارانه گذر کنند. و مطابق نقل جلد ۳۰ میزان صفحه ۷۵.

بندگان رحمان چون به اهل لغو می‌گذرند و آنانرا سرگرم لغو می‌بینند، از ایشان روی می‌گردانند. و خودرا پاکتر و منزّه‌تر از آن میدانند که در جمع ایشان درآیند، و با ایشان اختلاط و همنشینی کنند.

بخش عظیمی از وقت ما از طریق سخنان لغو ابطال میشود، که یامی‌گوئیم و یا به سخن لغو گوش میدهیم. و هر دو عمل از حیث اتلاف وقت و نتیجه یکی است. برای اینکه مومن بداند هنگام شنیدن لغو چه کند خداوند فرموده است (۵): و چون سخن بیهوده بشنوند از آن رو می‌گردانند و می‌گویند، اعمال ما برای ما، و اعمال شما برای خودتان، سلام بر شما، ما حوصله سرورکله زدن با جاهلان را نداریم. در تفسیر این آیه علامه طباطبائی توصیفی بنحو زیر دارند که عیناً نقل میشود.

مراد به لغو، سخن بیهوده است بدلیل کلمه (میشنوند) چون لغو شنیدنی از مقوله سخن است. پس مقصود سخنان بیهوده و خشن و زشتی است که پرداختن و اعتنای بآن کار عاقلانه نیست. و لذا وقتی آنرا می‌شنیده‌اند، از آن اعراض نموده، و مقابله بمثل آن نمی‌کردند، بلکه می‌گفته‌اند، اعمال ما برای ما، و اعمال شما برای شما، و این در حقیقت متارکه و اعلام ترک گفتگو است، (سلام علیکم) یعنی شما از ناحیه ما خاطرتان جمع باشید و ایمن باشید، که گزندی نخواهید دید

این جمله باز اعلام متارکه، و خدا حافظی محترمانه است. که با این جمله می فهمانده اند، شأن ما اجل از آنست که اینگونه سخنان بیهوده را دنبال کنیم، همچنانکه در جای دیگر درباره مومنان فرموده (وَأَذْأ خَاطِبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا) و چون مردم نادان به ایشان خطاب می کنند، در پاسخ می گویند "سلام" و یا پاسخی سالم می دهند.

اینکه گفته شده ما با جاهلان سروکله نمی زنیم زبان حال مومنان است و نه گفتارشان.

لغو که بخش مهمی از آن را سخنان بیهوده تشکیل می دهند بقدری با رشد و تربیت صحیح مابینت دارد که خداوند در توصیف بهشت می فرماید (۶): در آنجا حرف یاوه ای نشنوند. بلکه رابطه فیما بین همه سلام و راحت رساندن است. نظیر این توصیف در سوره "عم" نیز آمده که بهشتیان در آنجا سخن لغو و دروغ نشنوند.

در این آیه لغو درکنار دروغ (کذابا) قرار گرفته است. در سوره طور نیز فرمود (۷): (اهل بهشت) در اجتماع خود جامه های شراب طهور را بیکدیگر داد و ستد می کنند و از این شراب عمل لغو و گناهکاری (مانند آنچه از شراب دنیائی حاصل میشود) نتیجه نمی گردد. در این آیه، لغو درکنار (تأثیم = گناهکار کردن) آمده است. و هم بقرینه میتوانیم استنباط کنیم که اعمالی را که

مستان از گفتار و کردار انجام می دهند، و مسوق به تفکر و تعقل نیست (یا گناه، و در ردیف حرام است) عمل لغو می باشند.

کفار چون نفوذ و تاثیر قرآن کریم را بر روی مومنان و مسلمین میدیده اند، برای اینکه سخن رسول خدا بگوشها نرسد تدابیری داشته اند و از جمله خداوند می فرماید (۸): آنانکه کافر بودند بیکدیگر سفارش می کردند که هنگام شنیدن صدای قرآن، گوش ندهید، و جار و جنجال کنید بطوریکه صدای شما بر صدای قرآن غلبه کند و در نتیجه کسی آنرا نشنود.

در این آیه (الغوا) آمده که فعل امر از لغو است. و معنی آن در اینجا سروصداهای بی معنا در آوردن است. و ما توصیه هائی را که کفار و منافقان بعد از وقوع انقلاب اسلامی ایران برهبری امام خمینی مدظله به اعضا و هواداران خودشان می کردند تجربه کردیم. و خود نشان می دهد که جامعیت قرآن آنچنانست که نحوه رفتار کافر و منافق و مومن را در همه مکانها و زمانها می نمایاند، و بیانگر احوال و موضع گیری انسانها در برابر خدا و اسلام است. منافقان در تبلیغات مسموم و انحرافی خود با تعابیر فریبنده ای که بعنوان جامعه بی طبقه توحیدی، پیکار علیه فئودالیسم و بورژوازی . . . . می کردند به هواداران و اعضا قویا "توصیه می کردند، که به رادیو و تلویزیون و تبلیغات روحانیون آگاه و

فقط گوش ندهند. روزنامه‌های موافق جمهوری اسلامی را نخوانند لذا هر جا که



اجتماعی برای تبلیغ تعالیم اسلامی بود در آنجا بقصد تخریب و برهم زدن نظم ورود می‌کردند. و می‌کوشیدند با هر نوع سرودها از اینکه پیام اصیل قرآن بگوش مردم و اختصاصاً "بگوش جوانان برسد جلوگیری کنند.

نتیجه اینکه تربیت اسلامی کارهای بی‌ثمر و بیجهت را لغو می‌نامد، و آنها را منع می‌کند.

آنچه درباره لغو و لعب گذشت سخنی است که از بیان قرآن کریم برداشت شده است. و ادعان داریم که عمل بدانها کاری است بس دشوار. و زندگی را بر مردم عادی خیلی جدی، سخت و رسمی جلوه‌گر می‌کند. در حالیکه افراد عادی بسادگی نمیتوانند

دست از هرگونه سرگرمی بشویند. و هیچگونه بازی، تفریح، و سرگرمی نداشته باشند.

شما خواننده عزیز چه نوعی از بازیها سرگرمیها، و تفریحات پیشنهاد می‌کنید، تا جوانان و بزرگسالان در اوقات فراغت بدانها پناه ببرند؟

ما نیز بدنبال طرح و برنامه‌ای هستیم تا سرگرمیها و ورزشهای مجاز و مباحی را که از لغو و لعب بدور است بیابیم و اعلام داریم.

(۱) ذاریات  $\frac{۵۱}{۵۵}$  ... فَإِنَّ الذِّكْرَىٰ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ.

(۲) رعد  $\frac{۱۳}{۲۸}$  ... إِلَّا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ.

(۳) مومنون  $\frac{۲۳}{۳}$  ... وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ.

(۴) فرقان  $\frac{۲۵}{۷۳}$  ... وَإِذَا مَرَّوْا بِاللَّغْوِ مَرَّوْا كِرَامًا.

(۵) قصص  $\frac{۲۸}{۵۴}$  ... وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَالُنَا وَلكُمْ أَعْمَالِكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَانْتَبَغَى الْجَاهِلِينَ.

(۶) مریم  $\frac{۱۹}{۶۲}$  ... لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا إِلَّا سَلَامًا.

(۷) طور  $\frac{۵۲}{۳۳}$  ... يَتَنَزَّعُونَ فِيهَا كَأَسَا " لَالغُو فِيهَا وَلَا تَأْتِيهِمْ.

(۸) فصلت  $\frac{۴۱}{۲۶}$  ... وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالعَوَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ.